

معیارهای تعیین مرز محلات تاریخی اصفهان (نمونه مطالعاتی: منطقه ۹ شهر اصفهان)

سیما خالقیان^۱

پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

شیما قندهاری

کارشناسی ارشد مطالعات معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۶۹ - ۸۵

چکیده

امروزه به دلایل گوناگونی ضوابط جدید برای تقسیم بندی محلات مورد استفاده قرار گرفته که تا حد قابل توجهی متفاوت از تقسیم بندی‌های تاریخی این محلات است. در این میان شناخت دقیق عوامل و عناصری که موجب تمییز و تعیین این محدوده‌های شهری گردد ضروری به نظر می‌رسد. برای نیل به محله بندی مطلوب شهری، رعایت نکات کمی شهرسازی لازم است اما رعایت نظر مردم نسبت به محله خود و مرزهای محله نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. محلات تاریخی در گذشته دارای حدود مشخصی بوده اما این حدود با موانع کالبدی و حصارهای امروزی مشخص نمی‌شده است؛ بلکه عوامل مختلف طبیعی و یا گذرها، کوی‌ها نشانه‌های محلی آن را نشان می‌داده است. از طرف دیگر، آگاهی ساکنان و میزان تعلق آنان به محله در کنار سایر عوامل اجتماعی و محیطی، نه تنها هویت محله را شکل می‌داد؛ بلکه محدوده آن را هم معلوم می‌کرد. هدف از نگارش این مقاله، شناخت شاخص‌ها و معیارهای تقسیم بندی محله‌های تاریخی در شهر اصفهان و تعیین عوامل اثرگذار بر تقسیم بندی محله‌ای با استفاده از اسناد، مدارک و گفته‌های ساکنان محل می‌باشد. نتایج حاصل از مصاحبه حضوری با نوزده نفر از اهالی مطلع و حاضر در محلات به تدوین دو دسته کلی عوامل طبیعی و مصنوع (که خود به دو گونه محیطی و اجتماعی تفکیک شد) منجر گردید؛ که در این نوشتار با ذکر نمونه موردی برای هر عامل به تشریح آن پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: معیار مرز محله، محلات تاریخی، عوامل طبیعی و مصنوع، اصفهان.

۱. نویسنده مسئول: S.khaleghian@au.ac.ir

مسکونی در نظام وابسته‌ای که بیانگر قراردادهای اجتماعی است به یکدیگر پیوند خورده بودند. عبور رودخانه زاینده رود از کنار شهر و مادی‌های منشعب آن از میان شهر به‌طور طبیعی مرزهای بین محلات را ایجاد می‌کند. (تولایی، ۱۳۸۶: ۵۱). همچنین محله‌های وسیع به بخش‌های ریزتری چون پایین محله، بالا محله، محلات اصلی و محلات جدید تقسیم می‌شوند که خود دارای مرزهای جداگانه‌ای هستند.

به‌طور کلی در شهرهای گذشته، مبنای تشکیل محلات قومیت و روابط خویشاوندی بود که بر اساس سنت‌ها شکل می‌گرفت. این سنت‌ها در سه دسته کلی به شرح زیر قابل بررسی است:

۱. سنت‌های همزیستی و همجواری سکوتی
 ۲. رابطه‌های کاری چه در فضای کارهای تولیدی و چه در فضای کارهای خدماتی - عمومی
 ۳. چگونگی رفتارهای مردم در زمینه آداب و رسوم مذهبی و قومی (تولایی، ۱۳۸۶).
- محلات هم به لحاظ ساخت و هم به لحاظ مناسبات اجتماعی از سایرین متمایز می‌شوند. در گذشته صرف نظر از حجم و وسعت، قوانین نانوشته خود را داشته‌اند که برای ساکنان آن‌ها مشخص و قابل شناسایی بوده است. در این پژوهش از طریق مشاهده و مصاحبه حضوری و تهیه پرسشنامه باز با اهالی محله‌ها معیارهایی برای تعیین حدود محلات مشخص شده است. در ادامه دسته بندی کلی این عوامل همراه با شاهدهی برای آن خواهد آمد.

چولدین در تعریف آن بیان می‌دارد: «در اجتماعات محلی کوچک سنتی هر شخصی نسبت به اجتماع محلی که در آن زندگی میکند، احساس تعهد دارد. هر شخص در دوره‌های خاص از زندگیش در آنجا زندگی میکند. همه یکدیگر را میشناسند و اگر کسی

شهر در بستر زمان و اجتماع متولد می‌شود، حیات خویش را به اوج می‌رساند و کم‌کم پس از گذر زمان حیات اجتماع رنگ می‌بازد. فرسودگی نقش غالب آن می‌شود. از همین رو شناخت پهنه‌های فرسوده به سبب تجویز در آن‌ها ضرورتی اجتناب پذیر است.

یکی از رایج‌ترین شیوه‌ها برای به نظم درآوردن فضا در شهرهای تاریخ ایران، اتصال توده ساختمانی به‌طور پیوسته بود. این شیوه در سطح خرد نظیر محله‌ها و در سطح کلان یعنی کل شهر، به چشم می‌خورد (تولایی، ۱۳۸۶). تعریف محله از منظر جامعه‌شناسی به مفهوم واحدهای اجتماعی مجموعه‌ای هستند که تا حدی به‌صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود می‌آیند و باگذشت زمان توانسته‌اند شکل و فرم ثابت و پایداری پیدا نموده و حریم ویژه و معینی برای خود تعریف کنند. در حقیقت این محله‌ها از مجموعه افرادی با خصوصیات و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی مشابه تشکیل می‌شوند (خاکساری، ۱۳۸۵: ۱۲۷). این نکته را در تعریف محله نباید فراموش کنیم که معمولاً مرز محلات شهری قدیم در ایران و به‌ویژه در اصفهان با مرز و محدوده‌های خاص ایجاد شده توسط شهرداری متفاوت است. امروزه شاهد به وجود آمدن محلاتی هستیم که غیر از تفاوت در اسمشان هیچ ویژگی متمایز دیگری نسبت به هم ندارند (خادم‌فر و دیگران، ۱۳۸۵) نام برخی از محلات از نام‌های قدیم و باستانی، نام مؤسس و بزرگ آن محل یا حرفه ساکنان گرفته شده بود و تأثیرگذارترین عنصر آن نه راسته و گذر و میدان و بازار و کوی و مسجد که شهروندان محله با اقشار و طبقات مختلف خود هستند که در خانه‌هایی که هیچ تمایزی با یکدیگر نداشتند زندگی می‌کردند. مدرسه، مساجد، بازار و محلات

به‌زحمت افتاد افراد دیگر به کمک او می‌شتابند؛ بنابراین تعلق داشتن به اجتماع محلی، فرد را در یک موقعیت با مسئولیت محدود قرار می‌دهد (چولدین، ۱۹۸۵: ۲۷۳). مک میلان و چاوایس از دیدگاه احساسی، اجتماع محل‌های را تعریف می‌کنند که حس اجتماع محلی با حس تعلق همراه است، حسی که همراه با آن، اعضای نسبت به هم و نیازهای یکدیگر احساس مسئولیت مینمایند (همان، ۴۷-۴۸). ویکسون آن را ناشی از فرآیندی مکان‌مند میدانند. «محلّه مجموعه‌ای از روابط اجتماعی در میان یک عده نیست؛ اما شریک تمامی وجوه زندگی اجتماعی محلی است. اجتماع محلی فرایند تشریک فعالیت‌هاست تا از خلال آن ساکنان علائق خود را به اشتراک بگذارند» (ویکسون ۱۹۸۹، ذکر شده در آذری ۱۳۸۹، ۳۸).

در این نوشتار به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستیم:

۱. عوامل تعیین‌کننده حد و مرز یک محلّه تاریخی نسبت به محلات اطرافش چیست؟
۲. حدود و ثغور یک محلّه تاریخی در اصفهان چگونه توسط ساکنان آن تمیز داده می‌شود؟
۳. کدام یک از شاخص‌ها بهتر می‌توانند برای تعیین مرزهای محلّه‌ای در منطقه ۹ شهر اصفهان به کار بروند؟

هجوم موج نوگرایی به ایران باعث دگرگونی‌های عمیق در تمام زمینه‌های زندگی ما شد. این هجوم بیشترین تأثیر را بر کالبد شهرها بافت‌های مسکونی و کلاظواهر زندگی روزمره گذاشت. هویت فرهنگی و اجتماعی و تاریخ ما در تقابل با این موج نوگرایی رنگ باخت. در صد سال اخیر و به تدریج شهرهای ما خالی از روح شرقی شد. کالبد شهرهای ما از هویت خود که روزگاری موجب شکل‌گیری مکاتب مشخص، بلند مرتبه بود عریان شد. حال این میراث دردمند و

پر اشکال به ما رسیده است. برای اینکه روح زندگی را به سیمای شهرهایمان بازگردانیم نیازمند شناخت عمیق از هویت و ویژگی‌های معماری و شهرسازی خود هستیم. محلات تاریخی ما که امروزه به راحتی در حال تقسیم‌بندی به محلات جدید با محدوده‌های نویی است از نمونه‌های این تغییرات نابه‌جا می‌باشد. مستندسازی حدود محلات تاریخی با توجه به روند روبه‌زوال این محلات و منابع آن، از ضرورت‌های کنونی انجام این پژوهش می‌باشد.

روش پژوهش

در فرآیند محلّه‌بندی شهری و تعیین مرز محلات قدیمی، روش کیفی به‌ویژه استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با ساکنین، مهم‌ترین اطلاعات میدانی را در اختیار قرار می‌دهد. استفاده از این روش در حوزه‌های قدیمی و با پیشینه طولانی تا حد زیادی محدودۀ محلات را مشخص می‌سازد. اهمیت استفاده از این روش در موقتی و محدود بودن منابع آن به دلیل کهنوت سن مصاحبه‌شوندگان می‌باشد. پس از آن دسته‌بندی و نمونه‌های موردی به کمک اطلاعات پرسشنامه‌ها و مشاهدات حضوری تهیه گردید.

تعریف محلات شهری

ساده‌ترین تعریف از محلّه را می‌توان چنین بیان داشت: «محلّه عبارت است از سکونتگاه گروه‌های قومی - نژادی - مذهبی و صاحبان پیشه‌های مختلف که به یک قسمت از چندین شکل شهر یا قریه و یا قصبه محدود شده منزل و جای فرود آمدن و مقام مردمان است»، تعریف اداری محلّه را می‌توان چنین بیان داشت: «مجموعه ساختمان‌های مسکونی و خدماتی است که از لحاظ بافت اجتماعی ساکنانش خود را اهل آن محل می‌دانند و دارای محدوده معینی است. در تعریف جغرافیایی محلّه چنین آمده است: «محلّه یک

۲۷۳). در سطح محله، روابط گسترده‌ای میان ساکنین برقرار می‌شود. برخوردهای چهره به چهره، استفاده از فضاهای عمومی و تعامل افراد فضای روانی مطلوبی برای ساکنان فراهم می‌سازد. این امر، نتیجه همگنی درونی است، که به هویت بخشی فضا منجر می‌شود. فضای هویت دار، افزایش حس تعلق و تداوم حیات

اجتماعی - کالبدی را به دنبال دارد. در چنین شرایطی، حس تعاون و همیاری میان افراد افزایش می‌یابد و محیط مطلوب زندگی ارمغان آن خواهد بود. تعلق خاطر به محله، کنترل اجتماعی را شدت می‌بخشد و مشارکت مردمی به‌عنوان رمز موفقیت هر طرح و برنامه‌ای، افزایش می‌یابد (قدمی، ۱۳۸۳: ۵۸).

تقسیم بندی انواع ارتباط بین محلات ویژگی‌های کالبدی شهر (فرم) معلول رفتار انسان جامعه در فضا است و رفتار انسان در فضا به کیفیت تصور و درک - ریشه‌دار در فرهنگ - وی از محیط بستگی دارد. در تعیین محدوده محلات شرط اول سطح همگنی اجتماعی - کالبدی است. شدت همسانی و همگنی ساکنان در محلات فقیر نشین و ثروتمند نشین، محلات نوساز و قدیمی و... متفاوت است. همچنین در بسیاری از موارد محدوده محلات (حوزه‌های اجتماعی) به‌صورت قطعی و دقیق قابل تعریف نیست (قدمی، ۱۳۸۳: ۵۸۷). هرچه میزان شباهت میان ساکنین حوزه‌های اجتماعی همجوار بیشتر باشد، ابهام در مرزها شدت می‌گیرد. عموماً در بخش‌های قدیمی تر شهر، محلات همگن تر با مرزهای مشخص تر نسبت به محلات نوساز و محلات مرفه نشین وجود دارد (پورا احمد و دیگران، ۱۳۸۴).

لینچ می‌گوید محلات هم مانند آدمیان گاهی تودار و مزوی و در خود متمرکز هستند و ارتباطی با سایر محله‌های اطراف خود ندارند و گاه فارغ از انزوا یا

واحد جغرافیای شهر است که حدود آن نه عوارض طبیعی بلکه بیشتر قابلیت ارائه خدمات شهری را تعیین می‌کند. بنا به تعریف دیگری از محله می‌توان گفت: محله بخشی از شهر است که ساکنین آن بتوانند نیازمندی‌های روزمره خود را از همان مکان تأمین نمایند (محبوب‌فر، ۱۳۹۲).

«محله، کوی برزن یا یک قسمت از چندین قسمت شهر و یا قریه است». بر اساس این تعریف می‌توان گفت که در قدیم محلات جدای از هم بوده‌اند و در تعاریف برخلاف پیوندها و همبستگیهای قوی اجتماعی، تنها تعیین کالبدی آن‌ها حائز اهمیت بوده است. محله از منظر برنامه‌ریزی شهری را میتوان به‌صورت بخش قابل شناسایی از محدودهای شهری و یا محدودهای ترکیب شده از کاربری‌های تأمین‌کننده نیازهای ساکنان در ساختار شهر تعریف کرد (کوان، ۲۰۰۰ ذکر شده عبدالمهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۰). سیدنی برآورا^۱ (۱۹۹۶) معتقد است محله علاوه بر بعد کالبدی، یک مکان اجتماعی است. در تمیز بین اجتماع و محله باید دقت شود که اجتماع به گروه تشکیل‌دهنده واحد اجتماعی اطلاق می‌شود، اما محله با بافت کالبدی، اجتماع محلی را در درون خود جای می‌دهد و اراک^۲ (۲۰۰۰) محله را «واژه اجتماعی به مفهوم ارتباطات اجتماعی افراد در یک ظرف مکانی می‌داند.» (عبدالمهی و همکاران ۱۳۸۹، ۹۰). چولدین می‌گوید: «محله به تعداد محدودی از خانواده‌ها گفته می‌شود که منطقه کوچکی را اشغال کرده‌اند، دارای ویژگی‌های اجتماعی مشترک مثل پایگاه اقتصادی - اجتماعی و قومیت مشترک می‌باشند. این افراد دارای روابط چهره به چهره‌اند، همدیگر را به‌خوبی می‌شناسند و به همین دلیل بر رفتار یکدیگر نظارت دارند.» (چولدین ۱۹۸۵،

1. Brower
2. Warrack

ارتباط با سایر محله‌ها در گوشه‌ای جدا از شهر قرار گرفته‌اند. در این صورت می‌توان گفت حوزه دربرگیرنده محله کاملاً واضح و قابل حدس است. دسته دوم به محلاتی اطلاق می‌شود که به سبب ارتباط زیاد با محلات اطرافشان مرز مشخص و جداکننده‌ای برای خود ندارند و این از محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد (لینچ، ۱۳۸۱). شرایط امنیتی ایجاب می‌کند که محله‌ها مترامم در هم طراحی شوند بیشتر محلات از طریق «بند»، «سربند» و بن بست به خانه‌ها مربوط می‌شدند.

محله در شهر اصفهان

شهر اصفهان به‌عنوان یکی از کلان شهرهای ایران، دارای محله‌های بسیاری است. تعدادی از محله‌های قدیمی هنوز به نام‌های سنتی خود پر بجای می‌باشند. هر چند خیابان‌کشی‌های جدید گاهی از میان یک محله گذشته و آن را به دو نیم تقسیم کرده یا برخی قسمت‌های آن را حذف کرده است. به همین خاطر مفهوم هویت و محصوریت برای برخی محلات با از بین رفتن حدود آن تقریباً بی‌معنی است. ویژگی عمده محلات اصفهان همسایگی با محورهاست. محور مادی‌ها و محور زاینده رود تعداد زیادی از محلات را مشخص می‌کند. اگرچه برخی از مادی‌ها از وسط محله گذشته است اما عامل مهمی در شناسایی یک محل است. به‌طور کلی عوامل مؤثر بر ایجاد حد و مرز در محلات سنتی اصفهان را می‌توان در دودسته کلی جای داد. هریک از این عوامل از طریق مصاحبه حضوری با ریش سفیدان محل و مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شده‌اند. در ادامه با بررسی و توضیح هر عامل و نحوه اثرگذاری آن، نمونه موردی از محله‌های اصفهان، به‌عنوان شاهد آورده خواهد شد:

عوامل طبیعی

اولین و ابتدائی ترین عامل در جدا کردن محلات از یک دیگر و یا شناسایی یک محله نشانه‌های طبیعی موجود در محدوده‌ی آن می‌باشد. عوامل طبیعی از جمله مواردی است که به‌طور کامل در ذهن مردم محل نقش بسته است؛ و برای دادن نشانی مرز محله

ارتباط با سایر محله‌ها در گوشه‌ای جدا از شهر قرار گرفته‌اند. در این صورت می‌توان گفت حوزه دربرگیرنده محله کاملاً واضح و قابل حدس است. دسته دوم به محلاتی اطلاق می‌شود که به سبب ارتباط زیاد با محلات اطرافشان مرز مشخص و جداکننده‌ای برای خود ندارند و این از محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد (لینچ، ۱۳۸۱). شرایط امنیتی ایجاب می‌کند که محله‌ها مترامم در هم طراحی شوند بیشتر محلات از طریق «بند»، «سربند» و بن بست به خانه‌ها مربوط می‌شدند.

محله‌ها با مرزهای آشکار و مجزا شناخته می‌شوند. شاید مرز دارای یک خصلت کالبدی ویژه باشد و به‌وسیله یک مانع فیزیکی، مانند رود یا یک گذر پرتردد شناخته شود. همچنین احتمال دارد که این مرزها به‌منظور سهولت بیشتر به‌صورت قراردادی تقسیم می‌شدند.



شکل شماره (۱): محلات سنتی اصفهان، منبع: سیروس شفقی

لینچ معتقد است اگرچه لبه‌ها در تعیین حد محلات و تفکیک محله از محلات مجاور خود مؤثر است ولی در ایجاد محلات نقشی ندارند (لینچ، ۱۳۵۵). با این

خود از این عوامل که فهم و تشخیص آسان برای سایرین نیز دارد، استفاده می‌کنند.

● ارتفاعات

در برخی موارد عواملی مانند کوه موجب جدا شدن یک محله از محلات مجاور خود می‌شود. در مصاحبه‌های حضوری با ساکنین معمولاً برای آدرس دهی از این عامل استفاده می‌شود. به‌طور مثال محله‌های پشت کوه.

● رود

در شهر اصفهان رودخانه زاینده رود از عناصر طبیعی شهر و یکی از عوامل مهم برای تشخیص محدوده محلات می‌باشد.

● توپوگرافی و اختلاف سطوح

وجود اختلاف سطوح باعث جدا کردن محلات در ارتفاع می‌شود. اختلاف ارتفاع در یک محله سنتی به دلیل عوامل متعددی ایجاد شده و محلات را شکل داده است.

● اراضی و مزارع

وجود برخی مزارع و باغات شخصی در اطراف حدود مرز یک محل نیز می‌تواند عاملی برای جدا کردن آن باشد. برای نمونه محله سیچان اصفهان در محدوده مزارع آن ایجاد شده است.

عوامل مصنوعی اجتماعی

عوامل اجتماعی و فرهنگی در یک محله از جمله وجوه تمایز در میان ساکنین محله‌های مختلف می‌باشد. سبک زندگی، تفکرات، نحوه تعامل مردم با یکدیگر، نحوه نگرش ساکنین به سکونت و معماری ابنیه باعث ایجاد تفاوت‌هایی در نوع زندگی آنان خواهد شد. محلات سنتی در گذشته بر اساس معیارهایی چون شغل، دین و قومیت جدا می‌شده‌اند. این عوامل که به شکل غیر مستقیم حیطه محلات را مشخص می‌کند؛ در سه دسته زیر قابل بازخوانی می‌باشد:

● اصناف

وجود اصناف، مشاغل و حرفه‌های گوناگون در میان ساکنین از جمله عوامل اجتماعی موجود است که باعث تعیین محدوده یک محل می‌شود. ریز محله «سنگتراشان» نمونه‌ای از شکل‌گیری محلات بر اساس شغل می‌باشد. گفته شده کلیه خانوارهای ساکن در آن به شغل سنگ تراشی مشغول بوده‌اند. عامل شغلی در این بخش مشخص کننده حد این محله که در «محله جلفا» واقع است، می‌باشد. ارامنه «شمس آبادی» در اراضی جنوبی جلفا محله «تبریزی‌ها» و محله «دستی‌ها» را بنا نمودند. این محله به محله «تجار» معروف شد. بناهای



شکل شماره (۲): محله جلفا، تبریزی‌ها، قاراگل و سنگتراش‌های اصفهان.



شکل شماره (۳): مرز محلات بر اساس دین.

این محل که تاکنون نیز باقی مانده است نشان دهنده ثروت اهالی این منطقه می‌باشد. همچنین محلات دیگری از جمله گلاب‌گیرها، آهنگران، صراف‌ها، باغ کاران، داروغه، قاراگل در جلفا (اکثراً نساج و میوه فروش) نیز همان‌طور که با ذکر نام آمده است با مشاغل خاص قابل تفکیک هستند. در شکل ۲ محله سنگ تراش‌ها، قاراگل و تبریزی‌ها در محله جلفا آورده شده است.

● ادیان

از نقش جداکنندگی ادیان برای تشخیص محدوده یک محله نمی‌توان چشم پوشی کرد. محله جوینباره (یهودی نشین)، جلفا (ارمنی نشین)، سیچان و گبرآباد (زرتشتی نشین) که در شکل ۲ (محله‌های اصفهان) قابل شناسایی هستند؛ از جمله محلاتی هستند که دین باعث مرزبندی آن‌ها است. در محله جلفا اعتقادات باعث تأثیراتی بر روی شیوه ساخت و ساز بناها و همچنین ایجاد کلیساهای متعدد در این محدوده شده است. اگرچه قومیت و دین معماران جلفا بر نگارندگان واضح نیست؛ لیکن دین، تفکرات و اعتقادات مردم این محل بر نحوه طراحی بنا برای آن‌ها مؤثر بوده است. از طرفی به دلیل اینکه بعدها به شکل یک جا ساخته شده‌اند. از نظر درجه کهنه و نو بودن و سن و سال بناهای موجود در محل تفاوت و تمایز واضحی به چشم می‌خورد.

● اقوام

سکونت برخی اقوام در بعضی محلات اصفهان نیز از عوامل جداکننده محلات می‌باشد. این مورد نیز چون عامل اصناف و مشاغل باعث ایجاد لبه برای محلات شده است. محله «تبریزی‌ها» در محدوده جلفا و محله «کفشرون» در منطقه آتشگاه که محل سکونت اقوام لر می‌باشد، در این دسته می‌گنجد (شکل ۳).

● مالکیت‌ها

در محلاتی همچون «باغ کلانتر» مالکیت زمین‌ها و مزارع در اطراف محله باعث ایجاد محدوده و مرز آن شده است.

● محیطی

مردم در هر محیطی که زندگی می‌کنند خود را با آن تطبیق می‌دهند و از میان عواملی که در آن موجود است، پاره‌ای برایشان مشخص‌تر و متمایزتر می‌شود و در ذهنشان جای می‌گیرد.

● گذرها و کوچه‌ها

وجود برخی گذرهای شاخص یا کوچه‌هایی که ویژگی‌های متفاوتی دارند و یا نام خاصی برای آن‌ها انتخاب شده است از دیگر عوامل ایجاد لبه محلات می‌باشد. در بعضی از موارد نیز قرارگیری یک کوچه دقیقاً در حدفاصل بین دو محله، تشخیص آن دو را برای ساکنین راحت‌تر می‌کند.

● حصار شهر

محله «لنجان» از جمله محلات تاریخی است که حصار شهر جدا کننده و مرز آن در قسمت غربی محله می‌باشد (شکل ۴).

می‌توانست یک قبرستان برای تدفین ساکنین خود داشته باشد. وجود بیش از یک مورد از این شاخصه از احتمال همسایگی محله دیگر خبر می‌داد. البته در محله آتشگاه اصفهان، با تقسیم یک قبرستان به دو بخش هر دو محله مجاور از آن استفاده می‌کنند.

● نشانه‌های شهری

از دیگر عوامل موجود برای تشخیص حد یک محل، وجود شاخصه‌های عظیم در مقیاس شهری در آن می‌باشد. هر نشانه‌ی مصنوعی شهری می‌تواند تشخیص یک محدوده را برای ساکنین و غیر ساکنین تسهیل ببخشد. در این بخش به بررسی معیارهای تعیین حدود و ثغور محلات در اصفهان پرداختیم. عوامل طبیعی و مصنوعی را در دسته بندی‌های جداگانه بررسی کردیم. در قسمت بعدی تطبیق این معیارها بر نمونه موردی پژوهش، یعنی منطقه ۹ شهر اصفهان که به محلات آتشگاه ملقب می‌باشد صورت خواهد گرفت.

نمونه موردی: منطقه ۹ اصفهان

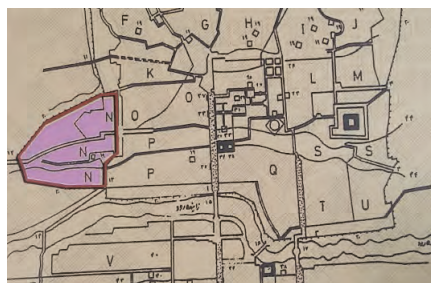
با جست‌وجو در منطقه ۹ اصفهان و تطبیق موارد استخراج شده در بالا برای محلات این منطقه، به صورت نمونه عواملی که در تعیین حدود و ثغور آن مؤثر است؛ به روش پرسشنامه و مصاحبه‌های حضوری استخراج شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. با توجه به نقشه‌های شهری دریافت شده از شهرداری، تفاوت فاحش مرزهای اصلی و تاریخی محلات با آنچه که امروزه بیان می‌شود و در شهرداری ترسیم شده است قابل توجه می‌باشد (شکل ۵، ۶ و ۷).

معرفی مرزهای برخی از محلات منطقه ۹ اصفهان

۱. محله قلعه فروشان (کوه آتشگاه- مادی- مالکیت- گذر)

این محله در شمال توسط مادی، در شرق توسط

۱. سؤالات پرسشنامه در پیوست آمده است.



شکل شماره (۴): مرز محله لنبان بر روی حصار شهر.

● جهت قرار گیری خانه‌ها (بافت محله)

اهالی قدیمی محله از متفاوت بودن جهت خانه‌ها به عنوان عاملی در شکل گیری و تعیین حد لبه آن یاد می‌کردند. تطبیق این عامل با نقشه‌های محلات صحت این ادعا را نشان می‌دهد.

● مادی‌ها

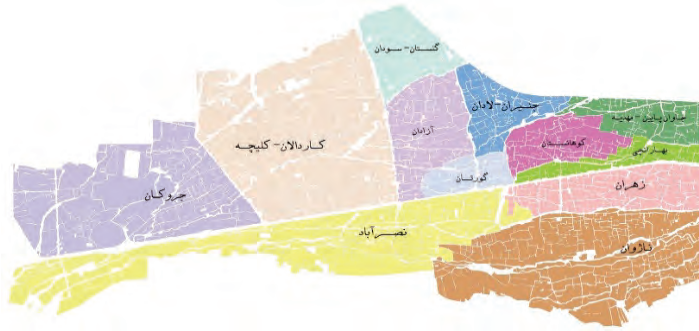
قبل از دوران صفویه مادی‌ها برای آبیاری مزارع در خارج از شهر استفاده می‌شدند؛ اما در دوران صفوی با کشاندن مسیر مادی به داخل شهر و عبور از محله‌های آن، این عامل محیطی به شاخصی برای نشان دادن حدود محله‌ها تبدیل شد.

● باغ‌ها

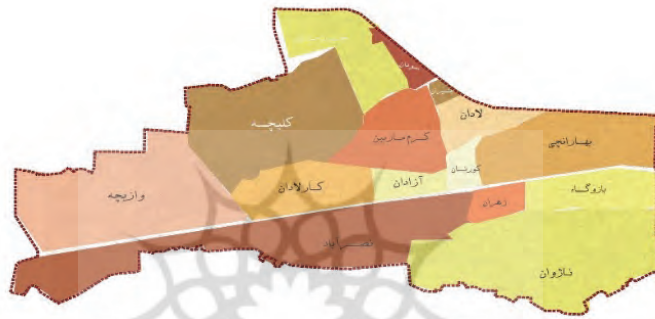
وجود باغ‌ها به عنوان نمونه مصنوعی از اراضی و صحرا موجود در همسایگی محلات، باعث ایجاد تمایز می‌شود. در اکثر موارد مالکان باغ از ساکنین همان محله بود است.

● شاخص‌های محله یا کاربری‌ها

هر محله در شهر حاوی ویژگی‌های و عناصر و اندامهای مخصوص به خود است. همین شاخص‌ها و عوامل هستند که به محله موجودیت و هویت می‌بخشند. وجود کاربری‌هایی چون مسجد محل، قبرستان، تا حدی راسته بازارها، حسینیه و قلعه‌ها را می‌توان در این دسته گنجانند. برای مثال هر محله تنها



شکل شماره (۵): محله بندی امروزی منطقه ۹.



شکل شماره (۶): محله بندی تاریخی منطقه ۹ بر مبنای شهرداری اصفهان، ۱۳۹۱.



شکل شماره (۷): محله بندی و مرز محلات تاریخی بر اساس اطلاعات پژوهش.

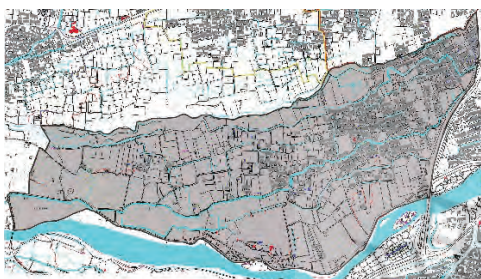
مادی و مالکیت‌ها و کوه آتشگاه، در غرب توسط گذر قرار گیری در جنوب رودخانه زاینده رود، باعث شده و در جنوب هم با مالکیت جدا شده است (شکل ۸).
 ۲. محله دنبه (رودخانه زاینده رود - گذر) دیگر شناخته شود (شکل ۹).



شکل شماره (۱۰): مرز محله کارلادان.



شکل شماره (۸): مرز محله قلعه فروشان.



شکل شماره (۱۱): مرز محله ناژوان



شکل شماره (۹): جابگیری محله دنبه در جنوب زاینده رود.

۵. محله کفشه‌رون (مادی - قبرستان - قلعه - مالکیت)

در این مرحله در درجه اول سکونت اقوام لر از جنبه مصنوع و اجتماعی باعث بروز تمایز نسبت به سایر محلات شده است. پس از آن در بخش شمالی و شرقی عبور مادی، در سمت غربی قبرستان محله و در جنوب قلعه و مالکیت عامل جدا کننده مرز محله می باشد (شکل ۱۲).

۶. محله موجان و مارمار (مالکیت - رودخانه زاینده رود - گذر - مزارع)

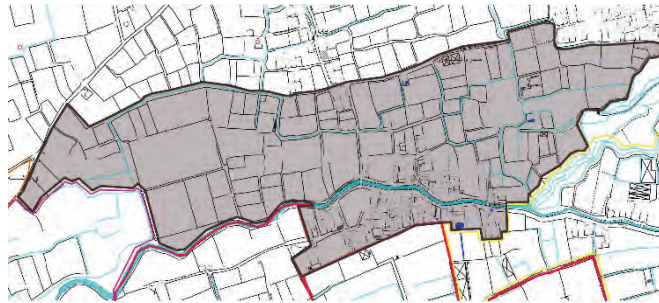
در این محله، مرز شمالی با مالکیت و مرز جنوبی با رودخانه زاینده رود محدود شده است. در غرب گذر و شرق گذر و مزارع لبه آن را تشکیل می دهد (شکل ۱۳).

۳. محله کارلادان (مالکیت - گذر - مادی - اختلاف سطح)

این محله در بالا و پائین از طریق مسیر دو مادی جدا می شود. در بدنه شرقی مالکیت و وجود گذرها در تعیین مرز این محله کمک می کنند. وجود اختلاف سطح یک ونیم متری در لبه غربی این محله، عاملی جدا کننده برای ساکنان آن بوده است (شکل ۱۰).

۴. محله ناژوان (رودخانه زاینده رود - مالکیت - مادی - گذر)

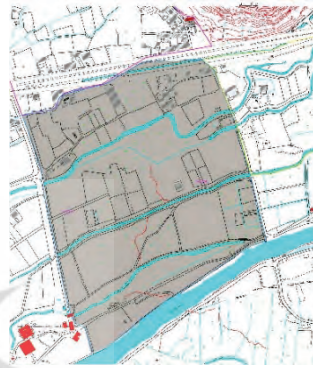
رودخانه زاینده رود در جنوب، مادی و مالکیت در غرب، مادی در شمال و مادی و گذر در شرق از معیارهای تعیین مرز محله آتشگاه می باشد (شکل ۱۱).



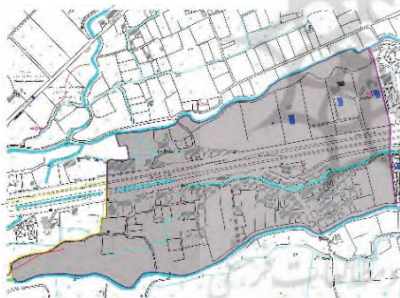
شکل شماره (۱۲): مرز محله کفشه‌رون.

۸. محله ککنان یا گلنان (باغ امروزی)؛ (مادی - مالکیت)

عبور مادی در این محل بیشترین تأثیر جداکنندگی را داشته است. در شمال و جنوب تنها گذر مادی و در غرب مادی همراه با مالکیت مرز را تشکیل می‌دهد. در سمت شرقی محله مالکیت نقش لبه را ایجاد کرده است (شکل ۱۵).

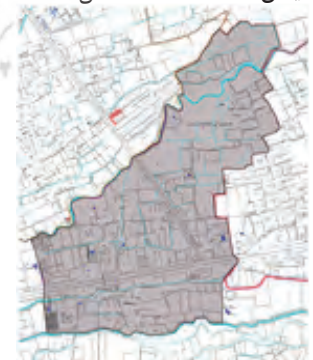


شکل شماره (۱۳): مرز محله موجان یا مارمار



شکل شماره (۱۵): مرز محله ککنان یا گلنان.

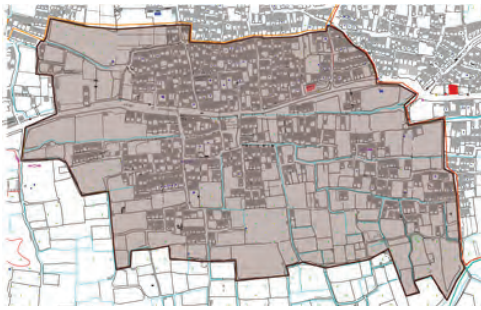
۷. محله آشنستان (مادی - اختلاف سطح - مالکیت) شمال و جنوب محله از طریق گذر مادی‌ها جدا شده است. در غرب مالکیت‌ها و در شرق اختلاف سطح از عوامل تشخیص محله هستند (شکل ۱۴).



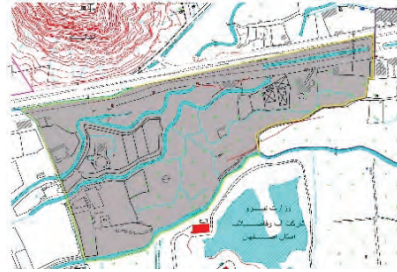
شکل شماره (۱۴): مرز محله آشنستان.

۹. محله آتشگاه (کوه آتشگاه - مالکیت - مادی - گذر)

در این محله در بخش شرقی مادی، در جنوب مادی همراه با صحرای منتهی به زاینده رود، در شمال کوه آتشگاه و در غرب مسیر گذر باعث تشخیص محله شده است (شکل ۱۶).



شکل شماره (۱۸): مرز محله زهران



شکل شماره (۱۶): مرز محله آتشگاه.

۱۰. محله بهارانچی (مادی - مالکیت - گذر -

نشانه‌های شاخص)

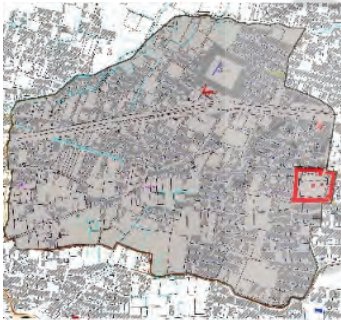
مادی «قمیش» در شمال، مالکیت در غرب، گذر و مالکیت در شرق و در جنوب مسجد «صاحب‌الزمان» و قبرستان به‌عنوان شاخص محله عامل جدا کننده می‌باشد (شکل ۱۷).



شکل شماره (۱۷): مرز محله بهارانچی

۱۲. محله ده‌چی (مادی - گذر - مالکیت - نشانه‌های شاخص)

شمال و جنوب این محله نیز توسط مادی جدا شده است. در غرب گذر و مالکیت جداکننده است. در قسمت شرق چندین عامل جداکننده وجود دارد که از آن جمله می‌توان مسجد «امام حسن مجتبی» و میدان میوه تره بار قدیمی با گذر و مالکیت را نام برد (شکل ۱۹).



شکل شماره (۱۹): مرز محله ده‌چی.

۱۱. محله زهران (نشانه‌های شاخص - مادی -

مالکیت - گذر)

در این محله مسجد صاحب‌الزمان، قبرستان و مالکیت مزارع در شمال، در جنوب مادی و مالکیت، در شرق گذر و مالکیت و وجود یک سقاخانه و در غرب هم مادی نقش تعیین حدود محله را به عهده دارند. لازم به ذکر است باغ کنار قبرستان مربوط به شخصی به نام «زهرانی» می‌باشد که عامل تعیین نام محله نیز می‌باشد (شکل ۱۸).

۱۳. محله بازارگاه یا بازوگاه (مادی - گذر - مالکیت -

نشانه‌های شاخص)

این محل در شمال و جنوب توسط مادی جدا شده است. در شرق عامل مادی با گذر همراه شده و در

غرب، مالکیت، مادی، گذر و سقاخانه از معیارهای جدا کننده مرز محله می باشد (شکل ۲۰).



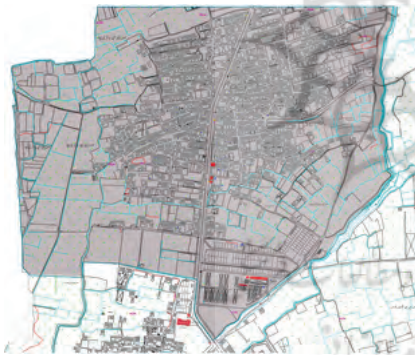
شکل شماره (۲۰): مرز محله بازارگاه.



شکل شماره (۲۲): مرز محله جروگان.

۱۶. محله وازیچه (مادی - مزارع - گذر)

در شمال و غرب این محله، حضور مزارع و باغات باعث جدا شدن این محدوده شده است. در سمت شرق حضور مادی و در جنوب نیز مادی و گذرها معیار تعیین مرز هستند (شکل ۲۳).



شکل شماره (۲۳): مرز محله وازیچه.

۱۴. محله نصرآباد (مالکیت - مادی - گذر - بافت شهر)

مالکیت، مادی و گذر در شمال، مالکیت، گذر و بافت در شرق، مادی در جنوب و مادی، مالکیت و گذر در غرب از جمله معیارهای تعیین کننده مرز محله می باشد (شکل ۲۱).



شکل شماره (۲۱): مرز محله نصرآباد

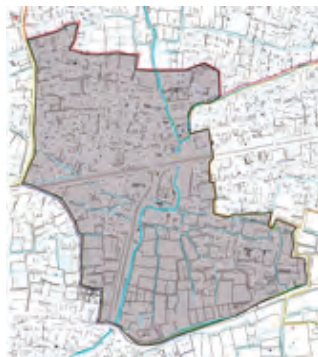
۱۷. محله گورتان (مادی - مالکیت - گذر - بافت - مزارع)

در جنوب این محله مادی، در غرب مالکیت و گذر و بافت، در شرق هم مادی و مالکیت، در شمال گذر مادی مزارع مالکیت معیارهایی برای تعیین مرزها خواهند بود (شکل ۲۴).

۱۵. محله جروگان یا گورکان (مادی - مالکیت - مزارع - کوه)

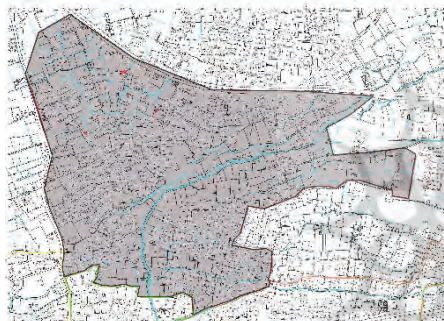
شمال و شرق این محله با مادی و مزارع و مالکیت محدود شده است. در سمت جنوب نیز مادی و در غرب کوه آتشگاه و مالکیتها موجب ایجاد مرز محله شده اند (شکل ۲۲).

۱۹. محله آزادان (گذر-مادی-مالکیت-قلعه)
 در شرق محله آزادان گذر، و در غرب مادی و قلعه و مالکیت معیارهای تعیین مرز هستند. شمال این محله توسط مادی و در جنوب مالکیت و گذر و مادی از عوامل جداکننده لبه هستند (شکل ۲۶).



شکل شماره (۲۴): مرز محله گورتان.

۱۹. محله لادان (مادی-مالکیت-مزارع-گذر)
 در محله لادان از سمت شرق عامل مزارع و مادی و مالکیت، در شمال مزارع و مالکیت و در غرب گذر و مادی و در جنوب مالکیت و مادی و مزارع از عوامل تعیین مرز هستند (شکل ۲۷).



شکل شماره (۲۷): مرز محله لادان

۱۸. محله کوهانستان (مادی-گذر-مالکیت-مزارع)

در محله کوهانستان، مادی در جنوب، و مادی و گذر و مالکیت در غرب معیارهای مرزی هستند. همچنین این محله در شمال توسط گذر و مادی و مزارع و مالکیت، و در شرق مادی و مالکیت و مزارع جداکننده هستند (شکل ۲۵).



شکل شماره (۲۵): مرز محله کوهانستان.



شکل شماره (۲۶): مرز محله آزادان.

عوامل مؤثر بر تعیین مرز محلات اصفهان



نمودار شماره (۱): تقسیم‌بندی معیارهای مرز محلات اصفهان

نتیجه‌گیری ————— به تشخیص و اعلام مرزها پرداخته‌اند، عوامل طبیعی پاسخ به پرسش پژوهش (معیارهای تعیین مرز محلات قدیمی شهر اصفهان) با بررسی منابع مکتوب و همچنین مطالعات میدانی (تهیه پرسشنامه باز و مصاحبه شفاهی) آغاز شد. داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که عوامل متعددی در تعیین حدود و ثغور محلات نقش دارند. دسته‌بندی عوامل در نمودار زیر آمده است. در مورد ذکر مهم‌ترین عامل در شناسایی محلات به نظر می‌رسد عامل مادی بیشترین ارجاع را داشته است. می‌توان گفت علت این اتفاق خصوصیت محوری مادی در طول یک محله یا دقیقاً در نقطه جدا کننده آن باشد. وسعت زیاد این عامل در بخش زیادی از محل باعث می‌شود تشخیص و شناسایی آن ساده و برای همگان (حتی غیر ساکنان) قابل تشخیص باشد. در مورد بیشترین عواملی که ساکنان آن

به تشخیص و اعلام مرزها پرداخته‌اند، عوامل طبیعی و شاخصه‌هایی مثل مساجد، سقاخانه و نشانه‌های شهری را می‌توان نام برد.

فهرست منابع

- افروغ، عماد. (۱۳۸۰). ریشه یابی عوامل جدایی‌گزینی و پیامدهای آن در تمرکز فقر و شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها. بی‌چا.
- آذری، نرگس. (۱۳۸۹)، شرحی بر مفهوم محله و تغییرات محله‌ای. مجله جستارهای شهرسازی. سال نهم. شماره ۳۴.
- آراسته خو، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی. تهران: انتشارات چاپ‌نخش.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۱). فرهنگ علوم انسانی. تهران: نشر مرکز. چاپ سوم.

- پوراحمد، احمد؛ قدمی، مصطفی؛ جهان محمدی، غلامرضا. (۱۳۸۴). بررسی روش‌های محله‌بندی شهری (مطالعه موردی: شهر نوشهر و کلاردشت). فصلنامه جغرافیایی سرزمین. سال دوم. شماره ۸.
- پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری، تهران، سمت.
- تولای، نوین. (۱۳۸۶). شکل شهر منسجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جناب، میرسید علی. (۱۳۹۳). احصائیه محلات اصفهان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- خادم‌فر، الناز. (۱۳۸۷). مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای. تهران: انتشارات طرح نو.
- دانشپور، زهره. (۱۳۹۰). درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۸۱). فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطق‌های شیراز: دانشگاه شیراز. چاپ دوم.
- عبداللهی مجید، مظرصرافی؛ و جمیله توکلی نیا. (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۲.
- قدمی، مصطفی؛ (۱۳۸۳). پیشنهاد روش ترکیبی در فرایند محله‌بندی شهری. همایش توسعه محله‌های، توسعه شهر تهران: شهرداری تهران.
- کارکرین، آلن. (۱۳۸۷). سیاست‌های شهری (رویکرد انتقادی). ترجمه عارف قوامی مقدم. تهران: انتشارات آذرخش. چاپ اول.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). سیمای شهر. مترجم: منوچهر مزینی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه
- تهران.
- مهندسان مشاور پارس ویستا؛ (۱۳۸۰). سرانه کاربری‌های خدمات شهری، جلد اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- Choldin, Harvey, 1985. cities and suburbs introduction to urban sociology. M.C. Graw.Hill, Inc.
- Coan, Robert. 2000. The dictionary of urbanism. Illustrated by Lucinda Rogers.
- Johnston, R.J. Herbert, D.T. 1978. Social area in cities, processes, patterns and problems.

پیوست

- در این بخش نمونه سؤالاتی که از اهالی و ساکنین چندین ساله محلات به صورت شفاهی و به زبان ساده‌تر پرسیده شده است، بیان خواهد شد. استخراج تعداد قابل توجهی از عوامل جداسازی محلات از یکدیگر بر پایه اطلاعات این افراد صورت گرفته است.
- نمونه سؤالات پرسشنامه معیارهای مرز محله‌ها
- نام و نام خانوادگی: سن:
- نام قدیمی محله و مدت سکونت در آن:
- شغل: قومیت: دین:
- زبان: مذهب:
- آیا در همین محله به دنیا آمده‌اید؟
 - اسم قدیم محله شما چه بوده است؟
 - بناهای یادبود محله شما کدامند؟
 - محله شما دارای چه ویژگی‌هایی است؟
 - تفاوت محله شما با محله‌های مجاور در چیست؟
 - آیا شکل این محله در گذر زمان تغییر کرده است؟

- تفاوت محله شما با محله‌های مجاور در چیست؟
- راه‌های داخلی محله را نام ببرید.
- راه‌های اصلی اطراف محله را نام ببرید.
- چگونه محدوده و مرز محله خود را از محلات همجوار تفکیک می‌کنید؟
- نقاط مشترک شما و هم محله‌ای‌ها در چیست؟ شغل یکسان؟ قومیت؟ لهجه؟
- آیا شکل این محله در گذر زمان تغییر کرده است؟
- آیا مرز محله خود را می‌شناسید؟
- کدام مسجد اصلی‌ترین مسجد محله است یا مسجد یا مساجد محله خود را بیان کنید؟
- به کدام مسجد، حسینیه یا تکیه می‌روید؟
- باغ و زمین‌های همسایه‌ها و هم محله‌ای‌هایتان در خود محله است؟ محدوده آن را می‌شناسید؟
- موقعیت قرارگیری مادی‌ها/ قبرستان/ مسجد/ خانه‌ها/ راسته بازار (در صورت وجود)/ عناصر تاریخی در محله شما چگونه است؟ در اطراف یا مرکز؟
- آخرین نقطه محله شما در شمال/ شرق/ غرب/ جنوب یا بالا/ پائین/ چپ/ راست با چه عاملی از محله کناری جدا می‌شده است؟
- چه میزان مرزهای کنونی محله بر مرزهای قدیمی منطبق است؟
- چه میزان حد عوامل طبیعی (ارتفاعات، رود، دشت و غیره) در مرزبندی محله‌ها تأثیر گذار است؟

